

## گروه فلسفه، منطق و کلام

محمود هدایت‌افزا

رتبه: شایسته تقدیر بخش بزرگسال

تحصیلات: دکتری

عنوان اثر: معناداری صفات ذاتی خداوند در پرتو ترادف مفهومی

(با تأکید بر آراء ابن سینا و شیخ احمد احسائی)

قالب اثر: رساله دکتری



### درباره پژوهشگر

محمود هدایت‌افزا سال ۱۳۵۳ در تهران متولد شد. او که فرزند آخر خانواده است، در دوران طفولیت و نوجوانی با بیماری والدین و فوت آنها مواجه شد. وی پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیک، در رشته فیزیک دانشگاه شهروود پذیرفته شد، پس از انجام خدمت سربازی، از سال ۱۳۷۸، به تدریس ریاضیات دبیرستان روی آورد و چند کتاب در زمینه ریاضیات تألیف کرد.

هدایت‌افزا از سال ۷۵ تا ۸۵، نزد علمای برجسته شهر تهران به یادگیری کلام، تفسیر، فلسفه و عرفان پرداخت و در سال ۱۳۸۵، برای تحصیل در رشته فلسفه، باردیگر در کنکور شرکت نمود و در دانشگاه شاهد پذیرفته شد. او در ادامه با قبولی در کنکور کارشناسی ارشد، برای ادامه تحصیل به دانشگاه خوارزمی رفت و در سال ۱۳۹۱ از پایان‌نامه خود با عنوان «تأملاتی در مبادی نظری اصالت وجود یا ماهیت» دفاع کرد. در کنکور دکتری ۱۳۹۲ و مصاحبه علمی آن، هدایت‌افزا به عنوان نفر اول روزانه در دانشگاه تهران (پدیس قم) پذیرفته شد و در نیمه فروردین ۱۳۹۶، از رساله دکتری خود با عنوان «معناداری صفات ذاتی خداوند در پرتو نظریه ترادف مفهومی» با نمره عالی دفاع کرد.

تاکنون قریب ۲۵ مقاله پژوهشی و تخصصی از محمود هدایت‌افزا منتشر شده است. وی در آذرماه ۱۳۹۵ در جشنواره پژوهشی دانشگاه تهران، به عنوان پژوهشگر برتر از میان دانشجویان دکتری دانشکده الهیات برگزیده شد. همچنین یکی از مقالات او در جشنواره ملی نقد کتاب در آذرماه ۱۳۹۶ مورد تقدیر قرار گرفت. همانکون وی در حال انجام فاز نهایی طرح پست دکتری خود (مصوب معاونت علمی و فناوری - صندوق حمایت از پژوهشگران) است.

### چکیده اثر

در اغلب آثار متأخران، پس از طرح دعاوی اشاعره، کرامیه و معتزله ادعای می‌شود که متفکران شیعی، همواره به عینیت صفات با ذات الهی باور داشته‌اند؛ حال آنکه با تأمل بیشتر در آثار ایشان، دست‌کم چهار نظریه یافت می‌شود: «نقی صفات از ذات»، «اتحاد مصداقی و تغایر مفهومی»، «تساوق صفات ذاتی» و «اتحاد مصداقی و ترادف مفهومی». دیدگاه اخیر که خاص‌تر از ایده‌های دوم و سوم است، شادترین نگاه در این مسئله محسوب می‌شود. با تتبع فراوان ملاحظه شد که ابن سینا و شیخ احسائی، هر دو در پذیرش کلیت ایده «ترادف مفهومی» اوصاف ذاتی پروردگار اشتراک نظر دارند. مبادی نظری هر دو متفکر در دفاع از ایده «ترادف»، بسیار شبیه یکدیگر هستند. اهم این مبادی عبارتند از: «اعم بودن مفهوم صفت از عرض» و «امتناع انتزاع مفاهیم متغایر از بسط حقیقی». پژوهش پیش‌رو در پی تبیین و تحلیل وجه معناشناختی صفات ذاتی پروردگار در پرتو ترادف مفهومی آنها می‌کوشد؛ چه هر دو قائل به نظریه مزبور به کارکرد مفهومی صفات ذاتی مترادف در گزاره‌های الهیاتی توجیه داشته‌اند. ابن سینا پس از پذیرش «وجود» به عنوان نخستین صفت واجب تعالی، فهم دقیق‌تر هر یک از صفات ذاتی را، منوط به لحاظ وجود خداوند با یک مفهوم «سلبی»، «اضافی» یا مرکب از آندو دانسته است؛ اما احسائی ثمرات معنایی صفات ذاتی را حول یک امر اجابوی و دو وجه سلبی بیان می‌دارد: نفی خلو ذات از کمالات، تنزیه ذات اقدس از مقایلات صفات و نفی تشبیه صفات الهی با صفات مخلوقات. او البته برای هر یک از کمالات ذاتی خداوند، صفات فعلی متناظر با آن قائل است و حقیقت محمدیه را حامل آن صفات فعلی و ظرف مشیت الهی می‌داند. همچنین از میان تفاسیر ناظر به غایت ایده «ترادف»، آنچه با سخنان بوعلی سازگاری بیشتری دارد، مؤدی به نفی مطلق صفات از ذات بسط الهی است. از قضا احسائی نیز نظریه «ترادف مفهومی» را شایسته متوسطین از اهل معرفت می‌داند و در طول آن، قول به «نقی صفات» را غایت معرفت و توحید حقیقی می‌شمرد. به دیگر سخن، ایده‌های «تساوق» و «ترادف» به ترتیب حلقه‌های واسطی میان دو نظریه مشهورتر محسوب می‌شوند و مسیر روشنی برای وصول طالبان معرفت، از اولی به دومی فراهم آورده‌اند.

